

پیشگفتار

حج، یکی از ارکان اسلام است (1) و چون واجب شود تأخیر کردن آن گناه عظیم است. مطابق آیات و روایات و گفته فقیهان، انکار آن موجب کفر و قرارگرفتن در شمار کافران است. (2)

آیات و روایات درباره اهمیت حج، بیش از آن است که در پیشگفتار مقالهای بگنجد و بپردازیم. حج را سرآمد احکام و واجبات شمرد. تا آنجا که طبق برخی از روایات، پیشوایان معصوم (علیهم السلام) حج از تمامی واجبات حتی نماز نیز مهمتر و برجستهتر است. (3) و از این روایت که زراره به امام صادق (علیه السلام) عرض میکند: «مَدَّتْ چهل سال از مسائل حج پرسیدم و شما پاسخ دادید!» (4)

آثار فراوان حج در ابعاد گوناگون، به ویژه سیاسی، فرهنگی و معنوی، بر هیچ خردمند و صاحب اندیشه‌ای پوشیده نیست و در این میان باید گفت که «عمره مفرده» یکی از بخشهای مهم حج است و از آن جهت که در بیشتر ایام سال انجام میگیرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

گرچه فقها درباره مطالب فقهی حج و عمره، مباحث عمیق و دامنهداری سامان داده و بر میراث گرانبها و جاودانه فقهی افزودند، با این حال برخی از مباحث آن دو، بررسی و تحقیق دوبارهای را، آن هم با نگاهی نو میطلبد.

1 - شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، ج 1، ص 7، باب 1 از ابواب مقدمة العبادات، 38 روایت در وجوب حج و رکن بودن آن نقل کرده است.

2 - شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، ج 8، ص 19 بابت تحت این عنوان گشوده و روایاتی نقل کرده است.

3 - وسایل الشیعه، ج 1، باب 41 از ابواب استحباب حج، ج 5، ص 6، 7، ص 77، المكتبة الاسلامیه.

4 - وسایل الشیعه، ج 1، باب 1، از ابواب وجوب حج، ج 1، ص 7، المكتبة الاسلامیه.

از آن جمله است مسأله «وجوب عمره مفرده بر تمامی مسلمانان» حتی بر کسانی که دور از مکه‌اند و در اصطلاح فقها «نائی» (1) به شمار می‌آیند.

روشن است که استطاعت عمره مفرده، از آن جهت که پیشتر با وسایل و امکانات ابتدایی و غیر ماشینی انجام میگرفت، جدا از استطاعت حج تمتّع نبود، به ویژه برای شیعیان که بیشتر آنان با مکه مکرمه فاصله بسیار دارند. و نیز به همین جهت این مسأله کمتر مورد بحث واقع شده است. لیکن اینک که استطاعت عمره مفرده با حج تمتّع تفاوت دارد و افرادی ممکن است تنها نسبت به عمره مفرده مستطیع شوند، این پرسش پیش می‌آید که: آیا عمره مفرده بر کسانی که از مکه مکرمه دور هستند و نسبت به حج استطاعت ندارند واجب است یا نه؟ و پرسشهای فراوان دیگر.

در این نوشتار، در پی یافتن پاسخ علمی و تفصیلی آن پرسش و پرسشهای دیگریم. (البته نه فتوا، چه آن که مقام فتوا به مراتب بالاتر از شأن راقم این سطور است.) و اینک بحث را در شش بخش پیمیریم:

بیشک بررسی تاریخی هر بحث علمی، نقش بسزایی در روشن شدن آن بحث دارد، به ویژه مطالب فقهی که دانش نقلی و تتبعی به شمار میآید و سرچشمه زلال آن، فرمایشات ائمه (علیهم السلام) است، از این رو آگاهی از نظریات فقیهان نزدیک به روزگار آنان بسیار مؤثر است.

شاید بتوان گفت که در فقه امامیه، اول فقیهی که بحث «وجوب عمره مفرده» را طرح کرد و در آنباره به گفتگو نشست، مرحوم سیدمرتضی علمالهدی (م436) است. او در کتاب «جمالعلم» مینویسد:

«حج در تمام مدت عمر، یک بار واجب است. همچنین عمره مفرده بر هر انسانی یک مرتبه واجب است.» (2) و همو در کتاب «المسائل الناصریه» نیز آورده است:

«عمره مفرده همانند حج، به هنگام استطاعت واجب است.» (3)

شیخ طوسی (م460) در کتاب «نهایه» مینویسد:

«شخصی که حج تمتع انجام میدهد، وجوب عمره مفرده از او ساقط

1 - در فاصله نائی از مکه، میان فقها اختلاف است؛ برخی ملاک را 48 میل (شانزده فرسخ) و برخی دیگر دوازده میل دانسته‌اند. و اما مشهور قول اول است. (جواهر الکلام، ج18، ص6)

2 - سیدمرتضی علمالهدی، کتاب الحج، ص62. در ضمن رسائل الشریف‌المرتضی، دارالقرآن الکریم.

3 - سیدمرتضی علمالهدی، کتاب الحج، ص208، جوامع الفقهیه، انتشارات جهان.

میگردد؛ زیرا عمره تمتع جانشین عمره مبتوله (مفرده) است. (1)

قاضی ابن براج (م481) چنین نوشته است:

«عمره همانند حج واجب است... و این دو قسم است: 1- عمره تمتع 2- عمره مفرده» (2)

ابن حمزه (م580) از فقهایی است که میفرماید:

«عمره مفرده یا مستحب است و یا واجب و واجب آن، یا به نذر و یا به عهد و یا بعد از حج قرآن و یا بعد از حج افراد است.» (3)

ابن ادریس (م598) مینویسد:

«عمره مفرده همانند حج واجب است؛ از این رو ترک آن جایز نیست. و اگر کسی عمره تمتع انجام دهد وجوب عمره مفرده از او ساقط میگردد.» (4)

محقق حلی (م676) مینویسد:

«عمره تمتع واجب است بر کسانی که خارج از مسجد الحرامند و تنها در ماههای حج صحیح است و با انجام دادن عمره تمتع وجوب عمره مفرده ساقط میگردد.» (5)

همو در مختصر النافع آورده است:

«عمره (مفرده) واجب، بر هر مکلفی در طول عمر یک بار واجب است با تحقق شرایط معتبر در حج...» (6)

فقه حج

جمع بندی:

از بررسی نظریات و گفتار فقها، چند مطلب به دست میآید که عبارتند از:

1- پیش از سیدمرتضی علمالهدی واجب بودن و نبودن عمره مفرده در کلمات فقها مطرح نبوده و از این رو درباره

آن اظهار نظری نشده است.

2- اگر چه فقها کلمه «عمره» را مطلق آورده‌اند و مقید به «مفرده» نکرده‌اند لیکن بیشک مقصود از عمره مطلق، عمره مفرده است؛ زیرا حکم «عمره تمتع» تابع حکم «حج تمتع» است و حکم مستقلی ندارد، به عنوان نمونه محقق حلی در مختصر النافع میگوید: عمره

1 - شیخ طوسی، نهاية الأحكام، ج 1، ص 215، چاپخانه دانشگاه.

2 - قاضی ابنبرّاج، مهذب الأحكام، ص 211، جامعه مدرسین.

3 - ابنبرّاج، الوسيله، ص 157، منشورات کتابخانه آية الله نجفی.

4 - ابن ادریس، سرائر، ج 1، ص 633

5 - محقق حلی، شرایع الاسلام، ج 1، ص 302، منشورات اعلمی.

6 - مختصر النافع.

واجب است، لیکن احکام عمره مفرده را بیان میکند و از این گذشته با تتبع در روایات دور نیست ادعا شود که عمره مطلق، در روایات نیز به معنای عمره مفرده است. جهت روشن شدن مطلب به روایات ابواب العمره، به ویژه باب 1، 3 و 6 مراجعه شود.

بنابراین مقصود فقها از وجوب عمره، بیشک عمره مفرده است. دستکم قدر متیقن آن عمره مفرده است. از اینرو هر جا بر عنوان «عمره» حکمی بار شود، قدر متیقن آن عمره مفرده است.

3- برخی از فقها بر وجوب عمره تصریح کرده‌اند.

و برخی از فقها مانند شیخ طوسی و محقق حلی در شرایع فرموده‌اند که:

«عمره تمتع مجزی از وجوب عمره مفرده است.»

از این عبارت استفاده میشود که عمره مفرده بر همه، حتی کسانی که دور از مکّه‌اند واجب است، ولیکن عمره تمتع مجزی از آن است، در غیر این صورت اجزای عمره تمتع که وظیفه اشخاص دور از مکّه است، معنا نخواهد داشت.

بنابراین، فقها یا با تصریح و یا به کنایه وجوب عمره مفرده را بیان کرده‌اند و برخی نیز مسأله را در کتابهایشان عنوان نکرده‌اند.

2 - عمره و احکام پنجگانه

پیش از آغاز در بحث اصلی، مناسب است رابطه عمره مفرده را، طبق احکام پنجگانه: «وجوب»، «حرمت»، «استحباب»، «کراهت» و «اباحه» بیان کنیم؛ زیرا: عمره، همانند حج، موضوع احکام گوناگون واقع میشود، چون گاهی:

1- عمره واجب است به گونه وجوب اصلی بنابر نظریه کسانی که عمره مفرده را مستقلاً واجب میدانند؛ مانند شخصی که نسبت به عمره استطاعت دارد ولی نسبت به حج استطاعت ندارد. و یا مانند وجوب عمره بر اشخاص نزدیک مکّه (حاضر) هستند.

2- عمره واجب است به گونه وجوب عرضی؛ مانند این که شخصی اجیر گردد برای انجام عمره و یا با نذر عمره را واجب کند. (1)

3- عمره مستحب است؛ مانند عمره مفرده پس از انجام حج واجب.

4- عمره نه واجب است و نه مستحب، بلکه نامشروع و یا مکروه است؛ (2) مانند عمره

1 - فقها اختلاف کرده‌اند در این که با نذر متعلق آن (منذور)، واجب می‌گردد و یا این که در نذر صحیح شرعی تنها وفای به آن واجب است و منذور بر همان حکم پیش از نذر باقی است. دور نیست نظر اول صحیح باشد.

2 - تعبیر به کراهت در مورد مثال دوم در کلمات مرحوم آیة‌الله گلپایگانی به چشم می‌خورد و بیشتر فقها فرموده‌اند نامشروع است. مناسک حج حضرت امام با حواشی مراجع، صحاشیه، ذیل مسأله 173، ص 90، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

مفرده میان عمره تمتع و حج تمتع و مانند عمره مفرده‌ای که بدون فاصله زمانی لازم میان دو عمره گزارده شود. بنابر این که فاصله لازم باشد. (1)

3 - نظریات فقها:

در این که آیا عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه (نائی)، واجب است یا نه، اقوال گوناگونی وجود دارد؛ از جمله:

1- عمره مفرده بر کسانی که نزدیک (حاضر) مکه هستند، واجب است. این قول نیز شقوقی دارد؛ برخی از ارباب این نظریه آن را در طول عمر، یک بار واجب میدانند و برخی پس از حج افراد و قران همیشه واجب میدانند.

2- عمره مفرده بر تمامی افراد مکلف؛ چه دور و چه نزدیک، واجب است. صاحبان این باور نیز برخی وجوب عمره را همانند حج فوری و واجب مالی میدانند؛ به این معنا که اگر شخصی استطاعت داشته باشد و آن را انجام ندهد، باید از اصل ترکه خارج گردد و برخی مانند آیة‌الله شاهرودی آن را واجب شرعی میدانند و نه مالی. (2) البته نظریات دیگری میان فقها مطرح است که در این نوشته درصدد بررسی آنها نیستیم بلکه در پی آنیم که درستی و صواب بودن نظریه دوم را به اثبات رسانیم.

4 - بررسی ادله وجوب عمره

ادله‌ای را که ممکن است بر وجوب عمره دلالت کند، تحت سه عنوان مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

الف: آیات

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ (3)

«حج و عمره را برای خدا تمام به جای آورید.»

دلالت آیه بر وجوب عمره، همانند حج روشن است؛ زیرا جمله «أَتِمُّوا» به کلمه «العمرة» نیز تعلق گرفته است.

1 - فقها نسبت به مقدار فاصله لازم میان عمره تمتع و عمره مفرده، پس از اعمال و فاصله لازم میان دو عمره مفرده اختلاف کرده‌اند؛ برخی از نظرات عبارت است از:

الف: میان عمره تمتع و عمره مفرده، پس از اعمال حج، فاصله لازم نیست و میان دو عمره میزان انجام در دو ماه از نظر عنوان است نه از نظر عدد.

ب: میزان فاصله ده روز است.

ج: احتیاط مستحب رعایت فاصله است.

د: رعایت فاصله شرط نیست، مناسک حضرت امام با حواشی مراجع معظم تقلید. مسأله 173 و 1311 حوزه نمایندگی ولیفقیه در امور حج و زیارت.

2 - آیه الله شاهرودی، کتاب الحج، ج2، ص151، مطبعة القضاء.

3 - بقره: 196

اشکال:

از میان فقها، آیه الله حکیم بر دلالت آیه اشکال کرده و چنین نگاشته است:

ظاهراً معنای این آیه عبارت است از وجوب تمام کردن عمره نه وجوب شروع عمره» (1)

نقد و بررسی

اولاً: اگر چه کلمه «أَتَمُّوا» در آیه به کار رفته، لیکن بیشک مدلول آن «وجوب» است نه «اتمام». به عبارت دیگر: «أَتَمُّوا» در اینجا به معنای وجوب ادا و انجام دادن عمره است. شاهد بر این مدعا آیات و روایاتی است که در آنها اینگونه تعبیرها آمده و در مقام بیان وجوب است؛ مانند أَتَمُّوا الصَّيَّامَ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ.

ثانیاً: در روایات بسیاری، آیه تفسیر شده است به وجوب حج و عمره؛ از جمله صحیح زراره است که از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده:

«العمره واجبة على الخلق بمنزلة الحج لأن الله تعالى يقول وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ». (2)

«عمره مانند حج واجب است؛ زیرا خداوند میفرماید: وَأَتَمُّوا الْحَجَّ...».

2- وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلٌ (3) «و خدای راست بر مردمان زیارت خانه، هر که تواند راهی بدان یابد.»

دلالت آیه بر وجوب عمره تمام است؛ زیرا «حج» در آیه به معنای زیارت و قصد به سوی خانه است و «عمره» نیز چون در آن طواف وجود دارد، مشتمل بر قصد و زیارت است، پس اطلاق آیه شامل عمره نیز میگردد. افزون بر این، طبق روایاتی که در تفسیر آیه از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) وارد شده، آیه به حج و عمره تفسیر گردیده است؛ از جمله در صحیح عمر بن اذینه آمده است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلٌ يَعْنِي بِهِ الْحَجَّ دُونَ الْعُمْرَةِ قَالَ لَا وَلَكِنَّهُ يَعْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعاً لِأَنَّهُمَا مَفْرُوضَانِ». (4)

1 - آیه الله حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج11، ص123، دارالکتب العلمیه.

2 - وسایل الشیعه، ج10، باب1 از ابواب عمره، ج2، ص235

3 - آل عمران: 97

4 - شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج10، باب1 از ابواب عمره، ج7، ص236، المكتبة الاسلامیه.

«از امام صادق (علیه السلام) از معنای فرمایش الهی (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ...) پرسیدم که شامل حج استنه عمره؟ امام (علیه السلام) فرمود: نه بلکه شامل حج و عمره است زیرا هر دو واجباند.»

روایت از نظر سند صحیح است و روایات دیگری مانند صحیح معاویه بن عمار (1) نیز هست که نیازی به طرح آنها نیست.

3- فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمْ; (2) «پس هر کس آهنگ خانه کند و یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که بر گرد آن در (صفا و مروه) بگردد.»

اشکال:

آیه دلالت بر وجوب عمره ندارد، همانگونه که دلالت بر وجوب حج نیز ندارد. بلکه تنها در مقام بیان این است که سعی بر اطراف آنها بیاشکال است و ناروا نیست؛ زیرا پیش از اسلام بر صفا و مروه دو بت بوده است از این رو

مسلمانان فکر میکردند نزدیک شدن به آنها گناه است. آیه در مقام زدودن این برداشت نادرست است و در مقام بیان وجوب عمره و حج نیست.

ب: روایات

افزون بر روایاتی که در تفسیر دو آیه وارد شده، روایات بسیار دیگری نیز وجود دارد که دلالت میکند بر وجوب عمره.

بیشتر این روایات از نظر سند و دلالت تمام است. صاحب وسایل الشیعه بابی تحت عنوان «وجوب عمره بر مستطیع» با دوازده روایت و بابی با این عنوان که: «عمره تمتع مجزی از عمره مفرده است» با هشت روایت آورده است از جمله:

1- عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «العمرة مفروضة مثل الحج»؛ (3) امام صادق (عليه السلام) میفرماید: «عمره همانند حج واجب است.»

این روایت از جهت دلالت تمام است و اما از نظر سند، طریق شیخ صدوق به مفضل بن صالح عبارت است از: «وما كان فيه عن أبي جميلة المفضل بن صالح فقد رويته عن أبي ربيعة الله عنه عن الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطيين أبي جميلة المفضل بن صالح».

1 - همان، ج2

2 - بقره: 158

3 - وسائل الشیعه، ج19، ص424

این سند تمام است.

بنابراین رجال سند تمامی ثقاتند و روایت صحیح است.

2- عن الحلبيين أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «إذا استمتع الرجل بالعمرة فقد قضى ما عليه من فريضة العمرة»؛ (1) امام صادق (عليه السلام): میفرماید: «هر گاه شخصی عمره تمتع بجای آورد، عمره مفرده واجب از او ساقط میگردد.»

از این روایت استفاده میشود که عمره مفرده واجب است لیکن با انجام دادن عمره تمتع، ساقط میگردد. سند روایت فوق نیز صحیح است.

آنچه ملاحظه شد برخی از روایاتی بود که بر وجوب عمره مفرده دلالت دارد.

ج: اجماع

سومین دلیل که گروهی بر وجوب عمره از آن یاری گرفته‌اند، اجماع است. صاحب جواهر میفرماید: «عمره با شرایط حج، در طول عمر انسان یک مرتبه واجب میشود؛ همانند حج، و اجماع محصل و منقول بر این مطلب دلالت دارد.» (2)

علامه حلی در کتاب منتهی المطلب آورده:

«عمره (مفرده) همانند حج بر هر مکلفی با تحقق شرایط حج، واجب است و تمامی علمای شیعه بر این باورند.» (3)

محقق نراقی نیز بر این مطلب ادعای اجماع منقول و محصل کرده است. ایشان مینویسد:

«عمره همانند حج... واجب است و دلیل بر آن اجماع محصل و منقول به گونه مستفیض است.» (4)

نقد و بررسی

اگرچه تمامی فقها وجوب عمره را پذیرفته‌اند لیکن با توجه به وجود آیات و روایات فراوان،

1 - همان، باب 5، ح 1، ص 242

2 - شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 20، ص 441، دار احیاء التراث العربی.

3 - علامه حلی، منتهی المطلب، ج 2، ص 876

4 - محقق نراقی، مستند الشیعه، ج 2، ص 178، المكتبة المرتضویه.

که از نظر دلالت و سند بیاشکال می‌باشند، این اجماع مدرکی است و کاشف از قول معصوم (علیه السلام) نیست. بنابراین اجماع در این مسأله نمیتواند دلیل بر وجوب عمره باشد.

جمع بندی: از مجموع آیات و روایات وارده درباره عمره مفرده به دست می‌آید که عمره مفرده همانند حج واجب است بر تمامی کسانی که استطاعت پیدا کنند فرقی نمیکند از مکه دور باشند یا نزدیک. زیرا آیات و روایات نسبت به این جهت اطلاق دارند.

5 - بررسی أدله مخالفان (اشکالات)

در برابر نظریه «وجوب عمره مفرده» نظریه نفی وجوب عمره وجود دارد. صاحب نظران این باور جهت اثبات نظر خود، به چندین استدلال یا بهتر است بگوییم به چندین اشکال بر ادله دال بر وجوب عمره مفرده چنگ زده‌اند؛ زیرا تمامی و یا بیشتر کسانی که بر این عقیده‌اند نظریه دلالت ادله بر وجوب عمره مفرده بر تمامی مکلفان، حتی اشخاص دور از مکه را در مقام ثبوت پذیرفته‌اند ولیکن در مقام اثبات به گونه‌های آن را نسبت به اشخاص دور از مکه رد کرده‌اند. در این بخش دلائل این نظریه، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف: رابطه عمره با حج

عمره تقسیم می‌گردد به «عمره تمتع» که جزئی از اعمال حج به شمار می‌آید و «عمره مفرده». و عمره مفرده گرچه پس از حج قران و افراد آورده میشود، لیکن آن، عملی است مستقل. از این رو بحث درباره آن، از این جهت است که آیا واجب مستقلاً است بر تمام مکلفان و ربطی به وجوب حج تمتع ندارد و یا این که هنگامی واجب می‌گردد که حج تمتع نیز واجب باشد؟

فقها در این جهت اختلاف نظر دارند؛ برخی از آنان نظر دوم را پذیرفته‌اند و از این رو چنین فتوا داده‌اند: شخصی که برای حج مستطیع نیست و بر عمره مفرده استطاعت دارد واجب نیست بر او که عمره بگذارد.

در برابر این نظریه، برخی از فقها باور اول را پذیرفته‌اند و فتوا داده که: چنانچه شخصی استطاعت برای حج نداشته باشد و استطاعت انجام عمره مفرده را داشته باشد، واجب است آن را انجام دهد و فرقی نمیکند که نزدیک (حاضر) باشد و یا دور (نائی) از مکه باشد.

مهمترین دلیل گروه اول ارتباط و تداخل عمره در حج تمتع است؛ در این صورت، هنگامی عمره واجب است که حج نیز واجب باشد و به تنهایی واجب نیست تنها کسانی که نزدیک مکه هستند و وظیفه آنها انجام حج قران و یا افراد است از قاعده کلی ارتباط عمره با حج استثنا شده‌اند؛ زیرا بر آنها واجب است عمره مفرده انجام دهند و بر دیگران انجام عمره مفرده واجب نیست. آیه‌الله خویی در اینباره می‌فرماید:

«اگر بپذیریم ادله وجوب عمره اطلاق دارد و کسانی را که از مکه دور هستند دربرمیگیرد، این اطلاق با دلیلی که دلالت دارد بر ارتباط وجوب عمره با وجوب حج، مقید میشود؛ مانند جمله: العمرة مرتبطة بالحجّ الى يوم القيامة (1) زیرا معنای این دلیل عبارت است از این که عمره به تنهایی واجب نیست و وجوب عمره مرتبط است به وجوب حج و از این قاعده تنها کسانی که نزدیک مکه هستند خارج شدهاند؛ یعنی وجوب عمره مفرده بر آنها واجب مستقل است.» (2)

لازم به یادآوری است که پیش از ایشان دیگران از جمله محقق نراقی بر اساس این باور مشی کردهاند. (3)
نقد و بررسی

بیتردید وجوب عمره تمتع مرتبط و مشروط به وجوب حج تمتع است، این مطلب اتفاقی است. بنابراین عمره تمتع به گونه مستقل واجب نیست بلکه بر کسانی واجب است که نسبت به حج نیز استطاعت داشته باشند؛ زیرا تمامی فقها در بیان اعمال و صورت اعمال و اجزای حجّ تمتع، عمره تمتع را نیز شمردهاند. جهت توضیح بیشتر به کتابهای تفصیلی از جمله عروة الوثقی (4) و جواهرالکلام (5) مراجعه شود. اما نسبت به عمره مفرده، دلیلی بر این ارتباط و اشتراط نداریم جز روایاتی که دلالت دارد بر اینکه عمره داخل در حج است؛ مانند صحیحه حلبی.

عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «دخلت العمرة فيالحجّ الى يوم القيامة...» (6)

امام صادق (عليه السلام) میفرماید: «عمره تا روز قیامت داخل در حج شده است.»

در پاسخ باید گفت که این روایت و مانند آن، اولاً: دلالت ندارد بر این که وجوب عمره

1 - عمره مربوط است به حج، تا روز قیامت، مضمون صحیحه حلبی و روایت ابنعباس است که در وسایل، ج10، باب5 از ابواب عمره، ج7 و باب3 از ابواب اقسام حج، ج2، آمده است.

2 - آیه الله خویی، معتمد العروة، ج2، ص173، مدینه العلم.

3 - مستند الشیعه.

4 - عروة الوثقی، ج2، ص540، عروه محشی، مكتبة العلمية الاسلاميه.

5 - جواهر الکلام، ج20، ص443 عبارت جواهر این است: «عمرة التمتع التيهي جزء من الحجّ».

6 - وسایل الشیعه، ج8، باب3 از ابواب اقسام حج، ج2، ص172

مفرده مشروط است به وجوب حج؛ زیرا اولاً معنای ارتباط و دخول عمره در حج عبارت است از عمره تمتع نه عمره مفرده؛ زیرا بر اساس روایاتی که دلالت دارد حجّ تمتع سه طواف بر دور خانه و دو طواف میان صفا و مروه است، عمره تمتع جزئی از اجزاء و اعمال حج تمتع است و اما عمره مفرده ارتباطی به حج ندارد و از این رو از آن در روایات فراوان از جمله صحیحه عمر ابن اذینه (1) و صحیحه یعقوب شعیب (2) و روایت نجیه. (3) در کنار حج تمتع نام برده شده. پس مقصود از داخل شدن عمره در حج، عمره تمتع است نه عمره مفرده.

ثانیاً: به فرض که بپذیریم این روایت و مانند آن، عمره مفرده را نیز دربرمیگیرد، معنای «دخلت العمرة فيالحجّ» از نظر اجزاء است؛ زیرا اگر شخصی حج تمتع انجام دهد مجزی از عمره مفرده است. بلکه اگر معنای «دخلت العمرة فيالحجّ» عبارت باشد از دخول و اشتراط وجوب عمره در حج نه اصل عمل آن، ممکن است بر مدّعا دلالت کند و لیکن این تفسیر و معنا از روایات نادرست است و با اطلاق آیات و روایات که دلالت دارد حج و عمره دو وجوب مستقلاند، سازگار نیست.

ثالثاً: لازمه این بیان این است که وجوب عمره مفرده بر شخص دور از مکه، به گونه مستقل، مشروع نباشد و

این با فتوا به احتیاط بر انجام عمره مفرده، که از سوی طرفداران عدم وجوب استقلالی عمره مفرده (در عروة الوثقی (4) و مناسک حج) صادر شده، نمیسازد.

رابعاً: کسانی که با تکیه به روایات «دخلت العمرة فيالحج» استدلال کرده‌اند. عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه واجب نیست، همانان تصریح کرده‌اند بر مرتبط نبودن وجوب عمره مفرده به وجوب حج.

آیه‌الله خویی میفرماید:

«مقتضی آیه و روایات، عبارت است از این که هر یک از حج و عمره واجب مستقل باشند و هیچ یک از آنها به دیگری ارتباط ندارد. جز عمره تمتع که با حج ارتباط دارد و اما در غیر عمره تمتع دلیلی بر ارتباط عمره با حج نداریم بنابراین ممکن است یکی از این دو در سالی و دیگری در سال دیگر انجام پذیرد.» (5)

خامساً: در روایتی که کلینی از صفوان و او از نجیه نقل میکند امام (علیه السلام) میفرماید:

«إِنَّمَا أُنْزِلَتِ الْعُمْرَةُ الْمَفْرَدَةُ وَالْمَتَّعَةُ لِأَنَّ الْمَتَّعَةَ دَخَلَتْ فِي الْحَجِّ وَلَمْ تَدْخُلِ الْعُمْرَةُ الْمَفْرَدَةُ فِي الْحَجِّ».

1 - همان مدرک، ج 10، باب 2 از ابواب العمره، ح 2

2 - همان مدرک، باب 5 از ابواب العمره، ح 4

3 - همان مدرک، ح 5

4 - عروة الوثقی محشی، ج 2، ص 534، مسأله 2

5 - مستند العروه، ج 2، ص 171

این روایت دلالت دارد که عمره مفرده داخل در حج نیست و مستقل است.

افزون بر این ادله، شاهد بر این که این تفسیر از روایات دخلت العمرة فيالحج درست نیست. فهم بسیاری از بزرگان فقها است، از جمله آنها صاحب جواهر است که مینویسد:

صاحب نظریه‌های را که میگوید وجوب عمره و حج با همدیگر مشروط و مرتبط است، نشناختن و این نظریه واضح الفساد است؛ زیرا ادله (روایات و آیاتی که دلالت میکرد عمره و حج دو واجب مستقلاند) بر خلاف آن است و نیز نظریه‌های که میگوید وجوب عمره مفرده مشروط و مرتبط با وجوب حج است ولی وجوب حج مشروط به وجوب عمره نیست. این نظریه را گرچه صاحب دروس برگزیده و بر آن استدلال کرده لیکن درست نیست. (1)

صاحب ریاض در نفی این تفسیر از روایات نوشته است:

«نظریه وجوب هر یک از عمره و حج، به گونه مستقل، صحیحترین و مشهورترین نظریه‌ها است؛ زیرا دلیلی بر ارتباط هر یک از این دو یا ارتباط وجوب عمره به وجوب حج نداریم.» (2)

جهت اطلاع بیشتر در این مسأله، میتوان به منتهی (3) علامه و مدارک (4) و مستندالشیعه (5) مراجعه کرد.

شاهد دیگر بر این مدعا که وجوب عمره مفرده مشروط به وجوب حج تمتع نیست عبارت است از این که فقها عمره را تقسیم کرده‌اند به عمره تمتع که بر اساس روایاتی که دلالت دارد حج تمتع سه طواف است، این عمره از اجزاء و اعمال حج است و داخل در حج میباشد و عمره مفرده که در روایات از آن مبتوله (بریده شده) نیز نام برده شده و این اسمگذاری شاهد بر این است که این عمره داخل در حج و مشروط به آن نیست بلکه مستقل است و به تنهایی واجب میگردد.

ب: نفی اطلاق

استدلال (اشکال) دیگر کسانی که معتقدند عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه واجب

1 - جواهر الکلام، ج2، ص444

2 - ریاض المسائل، ج7، ص174

3 - منتهی المطلب، ج2، ص876

4 - مدارک الأحکام، عاملی، ج8، ص46، آلالبیت.

5 - محقق نراقی، مستند الشیعه، ج11، ص160، آلالبیت.

نیست، این است که گفته‌اند: در اطلاق آیات و روایات دال بر وجوب عمره مفرده خدشه وجود دارد به این بیان که: عمره بر دو قسم است؛ 1- عمره تمتع 2- عمره مفرده و در آیات و روایات تصریح نشده است بر وجوب، خصوص عمره مفرده بلکه از ادله وجوب طبیعی عمره استفاده میشود؛ مانند حج و چون از خارج میدانیم عمره تمتع واجب است بر شخص دور از مکه و عمره مفرده واجب است بر شخص نزدیک مکه. بنابراین استدلال به اطلاق روایات بر وجوب عمره مفرده ممکن نیست. (1)

نقد و بررسی

صاحب این بیان، به عدم قوت و استحکام استدلال توجه داشته است؛ از این رو در پایان با تعبیر: «ولو فرضنا اطلاق الأدلة» به پاسخ پرداخته است.

در پاسخ این اشکال میتوان گفت:

اولاً: این که ما فرض کنیم وظیفه کسانی که دور از مکه هستند تنها عمره تمتع است، تازه اول مطلب و در میان دعوا نرخ تعیین کردن است؛ زیرا اگر نگوییم ادله صراحت دارد، به ویژه آیه: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ»، دست کم ظهور ادله عبارت است از وجوب عمره مفرده بر تمامی مکلفان؛ چه دور و چه نزدیک. از باب نمونه، آیه ولله علی الناس حج البیت در صحیحہ عمر بن اذینه تفسیر شده است به حج و عمره و بیشک عمره در برابر حج، عمره مفرده است و همانند حج بر تمام مکلفان واجب است.

ثانیاً: روایاتی که عمره مفرده را بر حاضر واجب کرده، در مقام تقسیم حج، به تمتع، افراد و قرآن است و دلالت دارند بر وجوب عمره مفرده همراه با حج افراد و قرآن و اثبات شیء نفی ماعدا نمیکند. بلکه اگر لسان روایات تقسیم عمره این باشد که عمره مفرده بر حاضر و عمره تمتع بر دور از مکه واجب است اشکال جاداشت.

ثالثاً: روایات زیادی داریم که دلالت دارند بر این که عمره تمتع موجب سقوط وجوب عمره مفرده میگردد و در وسایل دوازده روایت در این باب نقل کرده است. اینها دلالت دارند که عمره مفرده به عنوان عمره مفرده بر تمامی مکلفان از جمله کسانی که دور از مکه هستند واجب است در غیر این صورت مجزی بودن عمره تمتع از عمره مفرده معنا نخواهد داشت؛ زیرا عمره تمتع وظیفه نائی است نه عمره مفرده پس معلوم میگردد که عمره مفرده نیز بر او

1 - مستند العروة، ج2، ص173

واجب است لیکن طبق این روایات، عمره تمتع از او جایگزین و مجزی از وجوب عمره مفرده او میشود. رابعاً: شاید بتوان ادعا کرد که عنوان «عمره» اگر قید «تمتع» یا «مفرده» نداشته باشد، منصرف است به عمره مفرده، و عمره تمتع نیاز دارد به قید و یا قرینه. شاهد بر این مطلب آیه: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ» و روایات فراوان از جمله روایات باب شش است که در بیشتر آنها عنوان عمره، مطلق است ولی به طور قطع مقصود عمره مفرده است؛ مانند روایت 1، 2، 3، 4، 5، 6، 9، 10، و 12 که در آنها آمده است: (1) «لکل شهر عمره» پس روایات دال بر وجوب عمره، نص در وجوب عمره مفرده است و نوبت به شک نمیرسد تا این اشکال مطرح گردد. با شک در

وجوب براءت از وجوب جاری میگردد.

ج: سیره

از جمله ادله مخالفان وجوب عمره مفرده، چنگ زدن به سیره قطعیه بر انجام ندادن عمره مفرده از سوی مسلمانان است. آیه الله خویی میفرماید:

«افزون بر ادله پیشین، سیره قطعی مستمر مسلمانان است که انجام عمره مفرده از سوی آنان متعارف نبوده است حتی نایی که در سال نیابت حج تمتع، استطاعت از عمره مفرده را دارد.» (2)

نقد و بررسی

این استدلال از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول ادعای سیره قطعی بر متعارف نبودن انجام عمره مفرده است. بخش دوم مدعی است نایی که استطاعت از عمره مفرده داشته‌اند نیز آن را انجام نمیدادند. اما در پاسخ از بخش دوم، ممکن است گفته شود که: عمره مفرده بر کسی واجب است که پیش از رسیدن به مکه مستطیع بوده است.

و از طرفی سیره عملی حجاج، که هم اکنون نیز وجود دارد، به ویژه کسانی که از جانب دیگران حج انجام میدهند این است که پس از پایان مناسک برای خودشان عمره مفرده انجام میدهند. در هر صورت اثبات این مدعا که کسانی که از جانب دیگران حج انجام

1 - وسایل الشیعه، باب 6 از ابواب العمره، ج 10، ص 244

2 - مستند العروه، ج 2، ص 174

میدهند عمره مفرده نمی‌گذارند، مشکل است.

و از بخش اول ممکن است چنین جواب داده شود: در زمانهای پیش که وسایل حمل و نقل سریع ماشینی وجود نداشت، استطاعت برای عمره مفرده، جدای از استطاعت برای حج نبود؛ و انجام ندادن ناییها از آن جهت بوده که پیش از رسیدن به مکه مستطیع نبوده و پس از رسیدن به مکه همان گونه که نیابت مانع استطاعت نسبت به حج است مانع استطاعت به عمره مفرده نیز هست.

در ثانی اگر بخواهیم این سیره را به زمان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) برسانیم، امری است مشکل؛ زیرا چه بسا سکوت و بیان نشدن وجوب عمره مفرده از ناحیه برخی از فقها که سیطره علمی و فقهی داشته‌اند، تا مدتهای زیادی آن را از مسلمات فقه تلقی کرده‌اند و این مطلب در فقه شواهد بسیار دارد؛ همانند فتاوی شیخ طوسی که تا زمانهای زیادی پس از درگذشت وی از مسلمات تلقی میشود؛ و میرفت که عمل به برخی از آنها، حالت سیره پیدا کند.

د: خارج نشدن از ترکه

از جمله برهانهایی که بر واجب نبودن عمره مفرده اقامه شده، این است که اگر عمره مفرده واجب باشد، در صورتی که شخص مستطیع گردد و نتواند آن را انجام دهد، باید مخارج سفرش از ترکه خارج گردد و حال آن که فقها چنین فتوا ندادند. آیه الله خونساری میفرماید:

«وجوب عمره مفرده بر شخص دور از مکه بعید است زیرا این، مستلزم خروج عمره از اصل مال (ترکه میت) است.» (1)

پیش از ایشان فاضل هندی در کشف اللسام همین اشکال را بیان کرده و بر آن افزوده است که:
«در هیچ آیه و روایتی نیامده است که عمره مفرده از ترکه خارج گردد.» (2)

نقد و بررسی

پاسخ این اشکال از جهاتی ممکن است: اولاً ممکن است بگوییم: همانگونه که حج از

1 - آیه الله خونساری، جامع المدارک، ج2، ص557، اسماعیلیان.

2 - فاضل هندی، کشف اللسام، ج6، ص292، انتشارات اسلامی.

دین است و از ترکه خارج می‌گردد، عمره مفرده نیز دین است و در صورتی که شخص استطاعت آن را داشته باشد و انجام ندهد باید شخصی را برای او اجیر کنند و اجرت او را از ترکه بدهند. برخی از فقهای بزرگ نیز این نظریه را پذیرفته‌اند: از جمله صاحب جواهر می‌فرماید:

«التزام و پذیرش خروج اجرت عمره مفرده از ترکه، برای شخصی که استطاعت آن را داشته و انجام نداده و مرده است، مطلبی است مورد قبول.» (1)

ثانیاً: گرچه عمره مفرده در آیات و روایات به منزله حج شمرده شده، لیکن شاید بشود گفت که این تنزیل تنها در ناحیه وجوب است نه از جهات دیگر؛ زیرا در صحت تنزیل لحاظ تمامی جهات «منزلعلیه» لازم نیست، بلکه یک جهت و یا چند جهت مهم کافی است و این نظریه نیز در میان فقها قائل دارد؛ از جمله آیه الله شاهرودی است که در پی پاسخ به این اشکال، که وجوب عمره مفرده اثر فقهی ندارد؛ زیرا نه وجوبش فوری است و نه از ترکه (اصل مال) خارج می‌گردد، فرموده:

«وجوب عمره مفرده حکم شرعی است و نیاز به ثمره فقهی ندارد و برای نفی لغویت یعنی مقدار کافی است که اگر در غیر ماههای حج برای عمره مفرده مستطیع گردد و آن را انجام دهد مجزی است.» (2)
با این بیان، ایشان ضمن این که عمره مفرده را واجب مستقل میدانند برای تمامی مکلفان اجرت آن را نیز از ترکه نمیدانند.

بنابراین پاسخ این اشکال واضح است و نمیتواند مانع از دلالت ادله بر وجوب عمره مفرده گردد.

هـ - اگر عمره مفرده واجب بود بیان میشد

از جمله ادله‌ای که بر واجب نبودن عمره می‌آورند، عبارت است از این سخن که اگر عمره مفرده واجب بود، از طرف ائمه (علیهم السلام) بیان میشد. آیه الله فاضل لنکرانی مینویسد:

«اگر عمره مفرده واجب باشد، حتی بر اشخاصی که دور از مکه هستند، لازم بود ابلاغ و بیان آن به گونهای واضح و ظاهر همانند وجوب حج می‌آمد.» (3)

1 - جواهر الکلام، ج20، ص444

2 - آیه الله شاهرودی، کتاب الحج، ج2، ص151، مطبعة القضا نجف.

3 - آیه الله فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه، ج2، ص228، مکتب الإعلام الاسلامی.

صفحه 58

نقد و بررسی

این اشکال جدا از مسأله سیره نیست، بنابراین همان پاسخها را اینجا نیز میتوان آورد.

در ثانی با همان بیانی که حج واجب شده عمره نیز واجب شده و در دلالت وجوب ادله هیچگونه اجمالی وجود

ندارد و کسانی که وجوب آن را اختصاص می‌دهند به اشخاص نزدیک مکه نیز دلالت ادله را بر وجوب پذیرفته‌اند. لیکن اشکال در فراگیری این ادله نسبت به اشخاص دور از مکه دارند و در این نوشته در حد امکان پاسخ آن اشکالات داده شد.

6 - نظریات فقهای اهل سنت درباره وجوب عمره مفرده

فقیهان اهل سنت نیز همانند فقهای امامیه در حکم عمره مفرده اختلاف نظر دارند. برخی از ایشان آن را واجب و برخی دیگر مستحب میدانند. در اینجا نظریه هر یک از آنان را بیان میکنیم:

الف - شافعی: عبدالرحمن جزیری در متن کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» مینویسد:

«عمره مفرده همانند حج، در تمامی عمر بر هر انسانی یک بار واجب عینیاست.» (1)

وهبه زحیلی نیز در کتاب «الفقه الإسلامی وادلته» آورده:

«شافعی گفته است بنابراین ظاهر عمره واجب است؛ مانند حج. دلیل آن آیه وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ است؛ زیرا

مقتضای امر وجوب است و خبر عایشه که گفته است از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسیدم آیا بر زنان جهاد

واجب است؟ در پاسخ فرمود: بله جهادی که در آن کشتار نیست؛ یعنی انجام حج و عمره.» (2)

مرحوم محمد جواد مغنیه نیز مینویسد:

«شافعی و بسیاری از امامیه گفته‌اند عمره واجب است.» (3)

ب - مالکیه: نظر مکتب مالکیه در این مسأله استحباب تأکیدی عمره مفرده است نه وجوب آن. صاحب کتاب

الفقه علی مذاهب الأربعة پس از بیان وجوب عمره مینویسد:

«در این وجوب مالکیه مخالفت کرده‌اند.»

دکتر وهبه زحیلی نیز ضمن نقل نظر مالکیه استدلال آنها را بیان کرده است او مینویسد:

1 - الفقه علی مذاهب الأربعة، ج 1، ص 684

2 - وهبه الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ج 3، ص 19، دارالفکر.

3 - محمد جواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص 201، دارالعلم للملایین.

«مالکیه گفته‌اند عمره مستحب مؤکد است، بنابر قول ارجح؛ زیرا در احادیث فراوانی که شمار واجبات را بیان

کرده، عمره را جزو آنها نشمرده است؛ مانند حدیث عمر (بنی‌الاسلام علی خمس) و نیز جابر نقل میکند که رسول

خدا در پاسخ پرسش اعرابی که واجب است یا نه، فرمود واجب نیست.» (1)

محمد جواد مغنیه نیز مینویسد:

«فقهای مذهب مالکیه گفته‌اند عمره واجب نیست بلکه مستحب مؤکد است.» (2)

ج - حنفیه: آنان نیز همانند مذهب مالکیه عمره مفرده را مستحب مؤکد میدانند. دکتر زحیلی مینویسد:

علمای حنفی گفته‌اند: عمره مفرده بنابر قول ارجح مستحب مؤکد است، به دنبال این ادله، آن را که در ضمن

نظریه مالکیه بیان شد، می‌آورد.»

جزیری (3) و محمد جواد مغنیه (4) نیز همانند زحیلی نظر حنفیه را بیان میکند.

د - حنابله: اینان بر اساس نقل وهبه زحیلی قائل به تفصیل هستند. او مینویسد:

«حنابله از احمد نقل میکنند که بر اهل مکه عمره واجب نیست؛ زیرا ابنعباس گفته است عمره واجب است ولی

بر اهل مکه واجب نیست؛ زیرا عمره آنان طوافشان بر خانه است و همین مطلب را از عطا نقل کرده است که زیرا

رکن عمره طواف بر خانه است و آنها بر خانه طواف میکنند و این طواف مجزی از اصل عمره است.» (5)
صاحب کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» نظریه مذهب حنبلی را به طور مطلق، مستحب مؤکد نقل میکند و
تفصیل وهبه زحیلی را قبول ندارد. (6)
محمد جواد مغنیه در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه نیز از همان جزیری، تفصیل زحیلی را نقل میکند. (7)

پی نوشت ها :

- 1 - الفقه الاسلامی، ج3، ص18
- 2 - الفقه علی المذاهب الخمسه، ص201
- 3 - الفقه علی المذاهب الأربعة، ج1، ص684
- 4 - الفقه علی المذاهب الخمسه، ص201
- 5 - الفقه الاسلامی وادلته، ج3، ص19
- 6 - الفقه علی المذاهب الأربعة، ج1، ص684
- 7 - الفقه علی مذاهب الخمسه، ص201